

The Theory of Accumulation of Events in the Appeal to International Self-Defense

Morteza Ahmadifard *

Mehdi Hatami **

Farid Azadbakht ***

(DOI): 10.22066/CILAMAG.2023.706167

(DOR): 20.1001.1.2251614.1402.40.70.2.3

Abstract

Article 51 of the United Nations Charter preserves the right of states to use force in self-defense "in case of armed attack" until the Security Council provides the necessary security. It is generally believed that resorting to force that establishes the right of self-defense must be a strong and unpreventable armed force that can justify self-defense for the victim state. In conformity with this, the International Court of Justice (ICJ) has affirmed the existence of a threshold for distinguishing between "the most extreme forms" and "less extreme forms" of the use of armed force. The theory of the accumulation of incidents refers to a series of minor incidents that have accumulated until they reach the threshold of armed conflict. In fact, this theory does not have the threshold of severity desired by the ICJ. However, certain governments have resorted to it in order to justify the existence of their right to self-defense. This article has come to the conclusion that there are signs suggesting that transnational terrorist attacks have caused serious problems for governments; As a result, the tendency to accept this theory, which previously had little support, has increased to some extent.

Keywords

Doctrine of Accumulation of Incidents, Self-Defense, Armed Attack, Article 51 of the UN Charter

* Public International Law PhD Candidate, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, mtz1362@gmail.com

** Corresponding Author, Associate Professor of Law, Department of Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, hatamilaw@uok.ac.ir

*** Assistant Professor of Law, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University Kermanshah, Iran, Faridazadbakht2014@gmail.com



نظریه انباشت وقایع در توسل به دفاع مشروع بین‌المللی

مرتضی احمدی فرد *

مهدی حاتمی **

فرید آزادبخت ***

(DOI): 10.22066/CILAMAG.2023.706167

(DOR): 20.1001.1.2251614.1402.40.70.2.3

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

چکیده

ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق استفاده از زور دولت‌ها در دفاع از خود را «در صورت وقوع حمله مسلحانه» تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را انجام ندهد، حفظ می‌کند. عموماً عقیده بر این است که توسل به زوری که موجب حق دفاع از خود باشد، باید زور مسلحانه شدید و غیرقابل پیشگیری باشد که بتواند دفاع از خود را برای دولت قربانی توجیه کند. در تأیید این موضوع، دیوان بین‌المللی دادگستری وجود آستانه تمایز بین «شدیدترین اشکال» و «اشکال کمتر شدید» در استفاده از زور مسلحانه را تأیید کرده است اما نظریه انباشت وقایع، بیانگر مجموعه‌ای از وقایع جزئی است که با هم جمع شده‌اند تا اینکه به آستانه تخصص مسلحانه می‌رسند. در واقع این نظریه، آستانه شدت مورد نظر دیوان را ندارد. با این حال، برخی از دولت‌ها برای توجیه حق دفاع مشروع از خود، به این نظریه توسل جسته‌اند. این نوشتار به این نتیجه رسیده است که نشانه‌هایی وجود دارد که حملات تروریستی فراملی، دولت‌ها را با مشکل جدی مواجه کرده است؛ در نتیجه، تمایل به پذیرش این نظریه را که قبلاً از حمایت کمی برخوردار بود، تا حدودی ایجاد کرده است.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران mtz1362@gmail.com

** نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران hatamilaw@uok.ac.ir

*** استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

faridazadbakht2014@gmail.com

واژگان کلیدی

نظریه انباشت وقایع، دفاع مشروع، حمله مسلحانه، ماده ۵۱ منشور

مقدمه

نگاه کردن به مجموعه‌ای از حملات که به‌طور کلی، ترکیبی از حملات مسلحانه کوچک هستند و در مجموع، تهدید مداوم را شکل می‌دهند، از نظر مفهومی جالب است که از آن به‌عنوان نظریه انباشت وقایع یاد می‌شود و می‌تواند با حمله مسلحانه شدید که واکنش فوری در برابر آن به مثابه واکنش در برابر «تهدید فوری» است، مطابقت داده شود.^۱ ابتدا اسرائیل برای توجیه تهاجمات نظامی خود به لبنان در طول دهه ۱۹۷۰ به این نظریه استناد کرد. در آن زمان، اسرائیل استدلال کرد که اگرچه حملات تروریستی سازمان آزادی‌بخش فلسطین طبق مقررات بین‌الملل به‌طور انفرادی به‌مثابه حملات مسلحانه نبوده است، مجموع این حملات بر اساس نظریه فوق در انطباق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد بوده و حق دفاع از خود را ایجاد می‌کند. به‌طور کلی نظریه انباشت وقایع، شبیه به مقوله «جرم مستمر» است، یعنی «نقض قانون که با یک عمل یا رفتار خاتمه نمی‌یابد، بلکه برای مدت معینی باقی می‌ماند و مشابه اعمال یا تعهدات متوالی است...». به فرض اگر در بازی شطرنج، کسی بخواهد یکی از مهره‌های شطرنج را در یک زمان بدزدد، کاملاً واضح است که هدف وحدت‌بخش پشت عمل مجزای گرفتن این پیاده یا آن وزیر با هدف نهایی دزدیدن کل مجموعه ارتباط دارد و برای مجازات مناسب باید هدف نهایی را در نظر داشت، نه اینکه صرفاً هر قطعه را جداگانه در نظر گرفت.^۲ با این حال، بر اساس نظریه انباشت وقایع، قصد تهاجمی مهاجم^۳ می‌تواند به‌عنوان معیار مشخص برای انجام یک سری حملات مجزا، نه‌تنها از نقطه‌نظر خود مهاجم، بلکه برای قربانی نیز در نظر گرفته شود. نکته قابل توجه اینکه زمانی که اسرائیل به نظریه انباشت وقایع استناد کرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، آن را نپذیرفت. در این مقاله سعی شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که آیا یک دولت در استناد به دفاع مشروع صرفاً در قالب ماده ۵۱ منشور ملل متحد و لزوماً در مقابل حمله مسلحانه کامل و تمام‌عیار یک دولت دیگر می‌تواند استناد کند یا اینکه می‌تواند با توجه به نظریه انباشت وقایع و بدون درنظرگرفتن تمام جوانب ماده ۵۱ به حق دفاع از خود متوسل شود و نیز چگونه اقدامات تهاجمی که به آستانه تخاصم نرسیده، می‌تواند در قالب حملات مسلحانه مطابق این

1. O'Meara, Christopher, *the Right of Self-Defence in International Law*, Faculty of Laws, University College London, Submitted for the degree of PhD, 27 July 2018. p. 99.

2. Menachem Feder, Norman, "Reading the U.N. Charter Connotatively: Toward a New Definition of Armed Attack", 19 N.Y.U. J. Int'l L. & Pol. 1978. p. 395.

3. Animus aggressionis

نظریه، شرایط توسل به دفاع مشروع را ایجاد کند؟

۱. حمله مسلحانه و دفاع مشروع مطابق ماده ۵۱ منشور و نظریه انباشت وقایع

در حالی که بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، استفاده از زور را در حقوق بین‌الملل ممنوع می‌کند، ماده ۵۱ امکان استفاده از زور را به‌عنوان دفاع از خود فراهم می‌کند. طبق متن ماده ۵۱، عموماً چنین برداشت می‌شود که استفاده از زور به‌عنوان دفاع فردی توسط یک دولت در برابر دولت دیگر صورت می‌گیرد. از طرفی استفاده از زور باید به شدت خاصی برسد تا به‌عنوان حمله مسلحانه تعریف شود. با نگاهی به رویه رسمی دولت‌ها می‌توان دریافت که در طول اجلاس تعریف تجاوز، دولت‌های متعددی از این دیدگاه که تنها «جدی‌ترین اشکال استفاده از زور به‌عنوان حمله مسلحانه شناخته می‌شود»^۴ حمایت کرده‌اند.^۵ در پرونده نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی اظهارنظر کرد: «اکنون به نظر می‌رسد که توافق کلی در مورد ماهیت اعمالی که می‌توان آن‌ها را حملات مسلحانه تلقی کرد»، وجود دارد.^۶ در تعریف اصطلاح «حمله مسلحانه» که در ماده ۵۱ آمده است، باید عوامل متعددی را ازجمله میزان زور استفاده‌شده، هدف حمله، هویت مهاجم، ماهیت نظامی حمله و انتساب حمله به کشوری که در برابر آن باید از نیروهای دفاعی استفاده شود، در نظر گرفت، از منظر ماده ۵۱، حمله مسلحانه نه‌تنها شامل حمله به قلمرو دولت، ازجمله حریم هوایی و دریای سرزمینی آن است، بلکه حملات علیه منافع دولت، مانند نیروهای مسلح یا سفارتخانه‌های آن در خارج را نیز شامل می‌شود. ممکن است این حملات در شرایط خاص شامل حملات علیه شهروندان خارج از کشور یا کشتی‌های غیرنظامی و هواپیماهای مسافربری باشد.^۷ کاملاً مشخص نیست که آیا حملات مسلحانه می‌تواند علیه برخی مظاهر فراسرزمینی یک کشور دیگر نیز باشد یا خیر.

4. Brownlie, Ian, *International Law and the Use of Force between States* (Oxford University Press, Oxford), 2000, p. 366.

۵. ضمیمه تعریف تجاوز، دارای یک مقدمه و هشت ماده است. پنج بند آغازین ماده ۳ با اشاره صریح به ماده ۲، بر اهمیت این ماده تأکید می‌کند. ماده ۳ پس از بند آغازین، اقداماتی را که دارای کیفیت تجاوز شمرده شده‌اند در هفت مورد اعلام می‌دارد. مورد نخست (بند الف) چنین است: «تهاجم یا حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولتی دیگر، یا هرگونه اشغال نظامی، هرچند موقت، یا هرگونه ضمیمه‌سازی سرزمین یک دولت یا قسمتی از آن با استفاده از زور...». برخلاف بند (الف)، بند (ب) ماده ۳، مواردی را دربرمی‌گیرد که لزوماً تهاجم یا حمله واقعی به سرزمین دولت دیگر را شامل نمی‌شوند. این بند حاکی است: «بمباران سرزمین یک دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر، یا کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولتی دیگر...» بند ج: محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر...».

6. Case Concerning Military and Paramilitary Activities In and against Nicaragua (*Nicaragua v. United States of America*); Merits, International Court of Justice (ICJ), 27 June 1986, para. 195.

7. Wilmschurst, Elizabeth, "Principles of International Law on the Use of Force by States in Self-defence", *International Law ilp wp*, 2005, pp. 1-70. p.16.

در پرونده سکوه‌های نفتی، دیوان، حمله به کشتی نظامی یک کشور، خارج از آب‌های سرزمینی^۸ آن را به‌عنوان حمله مسلحانه شناسایی کرد. جالب است که به نظر می‌رسد دیوان در همان پرونده، احتمال مسلحانه‌بودن حمله علیه کشتی تجاری یک کشور را رد نمی‌کند.^۹ بنابراین دیوان مفهوم «حمله مسلحانه» را به فراتر از موارد مذکور در ماده ۳ (d) قطعنامه مجمع عمومی در مورد تعریف تجاوز که در پاورقی فوق ذکر شد، گسترش می‌دهد. در این زمینه، شاید این نکته نیز قابل توجه باشد که دیوان اگرچه به‌طور مستقیم به حق دفاع از خود اشاره نکرده، بارها از اصطلاح «حمله مسلحانه» در پرونده گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران استفاده کرده است.^{۱۰} حمله مسلحانه مستلزم استفاده از نیروی مسلح است و نه خسارت اقتصادی صرف. به‌عنوان مثال، اگرچه ممکن است خسارت‌های اقتصادی از طریق تعلیق تجارت یا استفاده از ویروس رایانه‌ای که برای فلج کردن عملیات مالی بورس اوراق بهادار دولت یا غیرفعال کردن فناوری مورد استفاده برای کنترل منابع آب، تأثیر مخربی بر دولت قربانی داشته باشد، اصول حاکم بر حق استفاده از زور در دفاع از خود، محدود به حمله نظامی است. با وجود این، حمله صرفاً «اقتصادی» اگر پیش از حمله مسلحانه قریب‌الوقوع باشد، ممکن است باعث ایجاد حق دفاع فردی (دفاع پیشدستانه) شود.^{۱۱}

۱-۱. شدت حمله مسلحانه

بین زبان ماده ۲ بند ۴ و ماده ۵۱ منشور، تفاوت آشکاری وجود دارد. در حالی که اولی از «تهدید یا استفاده از زور» صحبت می‌کند، دومی به «حمله مسلحانه» اشاره دارد. مفهوم روشن این است که هرچند هرگونه استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور دیگر ممنوع است، لزوماً هرگونه استفاده از زور، حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. ضروری است که شدیدترین اشکال استفاده از زور (آنهایی که حمله مسلحانه را تشکیل می‌دهند) از سایر اشکال کم‌اهمیت‌تر متمایز شوند. برای تشخیص استفاده از زور، شورای امنیت می‌تواند با توجه به شرایط تصمیم بگیرد که تجاوز مسلحانه صورت گرفته یا خیر؟

در مورد اینکه آیا استفاده از زور باید به حد مشخصی از شدت برسد یا خیر و در صورت نیاز،

8. Territorial Waters

9. Gray, Christine, "The International Court of Justice and the Use of Force", in Christian J. Tams, and James Sloan (eds), *The Development of International Law by the International Court of Justice* (Oxford, 2013; online edn, Oxford Academic, 2014, pp. 1-31 p.16. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2311217> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2311217>

10. Clause, Kreb, *The International Court of Justice and the Principle of Non-Use of Force*, The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law, 2016, p. 583.

11. Wilmschurst, Elizabeth, (2005), *Ibid.* p.6.

آن آستانه شدت چقدر باید باشد، اجماع وجود ندارد؛ حتی طبق نظر کسانی که طرفدار آستانه شدت هستند، این آستانه خیلی بالا نیست، مانند «حوادث مرزی صرف» یا «برخوردهای مرزی محلی بین واحدهای کوچک پیاده‌نظام». از این رو حمله مسلحانه که به‌عنوان محرک اعمال حق استفاده از زور توسط دولت قربانی در دفاع از خود عمل می‌کند، ممکن است استفاده نسبتاً محدود از زور، مانند حمله مرزی باعث خسارات یا خسارت محدود شود تا اینکه حمله کامل باشد.^{۱۲} استفاده تدافعی از زور در این نوع موقعیت‌ها می‌تواند با ارجاع به نظریه انباشت وقایع توجیه شود. این نظریه، وجود حق دفاع از خود را در پاسخ به یک سری حملات مسلحانه به رسمیت می‌شناسد که هرکدام احتمالاً پایین‌تر از حد آستانه شدت قرار می‌گیرند، اما با هم، حمله مسلحانه مداوم را تشکیل می‌دهند که آستانه شدت لازم را ایجاد می‌کند و حق توسل به دفاع مشروع را به وجود می‌آورد.

اقدامات مندرج در ماده ۳ تعریف تجاوز، ناشی از این واقعیت است که اقداماتی که از شدت کافی برخوردار نیست، به‌عنوان اعمال تجاوزکارانه شناخته نمی‌شوند. هرچند مفهوم «شدت حمله» در دفاع مشروع، مطابق ماده ۵۱ لحاظ می‌شود، در نظریه انباشت وقایع چندان مورد توجه نیست. آن‌چنان که در بند ۴ ماده ۲ منشور نیز آمده، استفاده از زور نیازمند شدت لازم است، نظریه انباشت وقایع، آستانه سنتی شدت حمله مسلحانه را کاهش می‌دهد. این نظریه به موقعیت‌هایی می‌پردازد که در آن حملات متوالی رخ می‌دهند که از نظر زمان، منبع و علت به هم مرتبط هستند، به‌ویژه زمانی که این حملات بخشی از یک «طرح حمله مداوم و کلی با تکیه عمدی بر حملات کوچک متعدد» باشند. در این زمینه استدلال می‌شود وقایعی که به خودی خود صرفاً «استفاده کمتر شدید از زور» را تشکیل می‌دهند، زمانی که بخشی از زنجیره‌ای از رویدادها را تشکیل دهند، می‌توانند از نظر کیفی به «حمله مسلحانه» تبدیل شوند که حق دفاع از خود را ایجاد می‌کند. واضح است که بر اساس عنصر شدت، شکافی بین حمله مسلحانه و استفاده کمتر از زور وجود دارد. در حالی که نیازی نیست حمله لزوماً «شدید» یا «خیلی شدید» باشد تا بتواند مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را ایجاد کند، باید به آستانه خاصی برسد تا بتواند به‌عنوان حمله مسلحانه در مفهوم ماده ۵۱ منشور ملل متحد واجد شرایط شود.

۱-۲. زمان شروع حمله

اگر نظریه انباشت وقایع پذیرفته شود، باز هم اختلاف بین مفاهیم وجود خواهد داشت. آغاز داشتن آستانه بسیار پایین، با اولین اقدامی است که (به‌تنهایی) حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود.

12. Clause, Kreb, *Ibid*, p. 588.

با این حال، حمله مسلحانه «در لحظه انباشت» شکل می‌گیرد؛ بنابراین، در طول زمان «از آغاز اولین حادثه تا زمان شکل‌گیری حمله مسلحانه»، ممنوعیت استفاده از زور برای دولت قربانی پابرجا می‌ماند، مگر اینکه اقدام دولت دفاع‌کننده به خودی خود یا به‌طور انباشته، قبلاً واجد شرایط دفاع مشروع مسلحانه شده باشد. مطابق این نظریه، بسیاری از اقدامات، اعم از مسلحانه و غیرمسلحانه که در دوره نسبتاً طولانی رخ می‌دهد، می‌تواند حمله مسلحانه باشد. اقدامات متعدد با ماهیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، الکترونیکی و نظامی، می‌توانند حمله مسلحانه باشند. برای مثال، یک حمله سایبری در مقیاس کوچک، همراه با تبلیغات گسترده ضد رژیم و استفاده از شبه‌نظامیان خاص و فشارهای اقتصادی به‌عنوان حمله مسلحانه واقعی توسط مدافعان این نظریه در نظر گرفته می‌شود. طبق این نظریه، اقدامات قهری در مقیاس کوچک معمولاً دو ویژگی دارند: الف) صرفاً به‌عنوان نقض حاکمیت یک دولت محکوم می‌شوند تا اینکه نقض قاعده منع استفاده از زور تلقی شوند؛ ب) با وجود عدم شمول نسبت به اقدامات قانونی در دفاع از خود، طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، مجاز تلقی می‌شود.^{۱۳}

۳-۱. قصد تهاجم

اغلب اوقات، شناخت دلایلی که باعث تهاجم از سوی یک دولت می‌شود، دشوار است. گاهی ممکن است استفاده از زور و تشخیص مرز بین دفاع و تلافی ساده نباشد. با این حال باید توجه داشت که در سال‌های اخیر برای توجیه رفتاری که عمدتاً در خدمت اهداف غیردفاعی است، دولت‌ها به موضوع دفاع از خود متوسل شده‌اند. برای اینکه یک عمل به‌عنوان «حمله مسلحانه» طبقه‌بندی شود، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری ایجاب می‌کند که قصد خصمانه از سوی مهاجم علیه یک کشور با هدف خاص وجود داشته باشد. حمله عظیم که به‌وضوح آستانه شدت را برآورده می‌کند، مانند حمله موشکی به یک کشور همسایه، طبیعتاً به معنای داشتن «قصد خصمانه» است. با این حال، اثبات حملات مبهم‌تر و کوچک‌تر به‌عنوان هدف خصمانه دشوارتر است. به‌عنوان مثال، «تهاجم تصادفی به حریم هوایی یک دولت»، احتمالاً توسط دیوان به‌عنوان حمله مسلحانه شناخته نمی‌شود، اما به احتمال زیاد در محدوده حمله کوچک‌تر قرار می‌گیرد. حادثه مرزی که «به نظر می‌رسد مفهوم آن این است که شامل آن دسته از «حوادث مرزی» می‌شود که در آن هیچ قصدی برای انجام حمله مسلحانه وجود ندارد، از جمله تهاجمات تصادفی و وقایعی که مأموران از دستورهای مقامات مافوق اطاعت نکرده‌اند.^{۱۴} دیوان در مورد

13. Corten, O., *The Law Against War: The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law*, Bloomsbury Publishing, 2010, p. 272.

14. Gray, Christine, *International Law and the Use of Force*, 4th Edition. OUP, 2010, p. 154.

اینکه آیا «حملات مرزی» نیکاراگوئه به هندوراس و کاستاریکا می‌تواند به‌عنوان حمله مسلحانه تلقی شود یا خیر، بیان کرد: اطلاعات بسیار کمی در مورد «شرایط این تهاجمات یا انگیزه احتمالی آن‌ها» در اختیار دادگاه قرار دارد که تصمیم‌گیری را در مورد اینکه آیا می‌توان آن‌ها را به‌عنوان «حمله مسلحانه» توسط نیکاراگوئه، به یک یا هر دو دولت، برای مقاصد قانونی در نظر گرفت، دشوار می‌کند.^{۱۵} این نشان می‌دهد که دیوان «عنصر قصد» را در نظر داشته است و اینکه هنوز شرایط مشخصی وجود نداشته که با توجه به مجموع اقدامات بتواند حمله مسلحانه تلقی شود. با این حال، توجیه پرونده به دلیل فقدان اطلاعات واقعی در دسترس، از سوی دادگاه موفق نبوده است.

۲. دفاع پیش‌دستانه،^{۱۶} پیشگیرانه^{۱۷} و نظریه انباشت وقایع^{۱۸}

حمله پیش‌دستانه، به حمله‌ای اشاره دارد که در آن، کشور مهاجم به جای تلاش برای بازداشتن رقیب از حمله، در زمانی که بازدارندگی شکست می‌خورد، برای دفاع از خود قبل از اقدام دشمن، به آن کشور حمله کند. قواعد حقوق بین‌الملل و رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که فقط حمله پیش‌دستانه مورد قبول است. حقوق بین‌الملل، حمله پیشگیرانه را نمی‌پذیرد. از نظر این حقوق، اگر تهدید جدی باشد و کشور رقیب از خود تحرک نظامی زیادی در دریا، هوا و زمین نشان دهد که گویای آمادگی آن برای حمله باشد، کشور می‌تواند با رعایت اصولی مثل اصل تناسب، ضرورت، فوریت و تداوم، دست به حمله پیش‌دستانه بزند. به بیان دیگر، در این مورد نیز ملاحظات حقوقی به سرشت تهدید وابسته است. دولت مهاجم باید آگاهی دقیق یا برآورد دقیقی

15. ICJ, *Ibid*, para. 231.

16. Preemptive self-defense

17. Preventive self-defense

۱۸. حملات پیشگیرانه، وجوه مشترک زیادی با حملات پیش‌دستانه دارد. در عین حال، معمولاً حملات پیشگیرانه در پاسخ به تهدیدات کمتر فوری صورت می‌گیرد. در حملات پیشگیرانه، بیش از آنکه تمایل به واردکردن ضربه نخست به دشمن باشد، تمایل به این است که جنگ زودتر آغاز شود تا اینکه دیرتر باشد. در این‌گونه جنگ‌ها، علایم قطعی از اقدامات نظامی کشور رقیب وجود ندارد. فوریتی در مورد اقدامات آن هم نیست و به همین صورت، برخلاف حملات پیش‌دستانه که مثال‌های تاریخی فراوانی دارد، برای جنگ‌های پیشگیرانه، نمونه‌های تاریخی کمتری می‌توان پیدا کرد. جنگ پیشگیرانه، در تاریخ، معمولاً زمانی روی داده است که کشور قدرتمند، احساس کرده که در اثر پیشرفت قدرت‌های دیگر، به‌تدریج موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای خود را از دست می‌دهد. درک قدرت‌های بزرگ از برهم‌خوردن موازنه قدرت به ضرر آن‌ها، از نمونه‌های بارز تاریخی است که در آن، به جنگ پیشگیرانه متوسل شده‌اند. همچنین در عصر سلاح‌های کشتار جمعی، ترس از دستیابی کشور رقیب به این سلاح‌ها، موجب توسل به حملات پیشگیرانه شده که از جمله می‌توان به حمله هوایی اسرائیل به اوزیراک عراق در ۱۹۸۱ و حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ اشاره کرد. رجوع کنید به: حمله پیش‌دستانه و پیشگیرانه در سیاست خارجی آمریکا مقاله دکتر یزدان فام قابل مشاهده در سایت: <http://politico.blogfa.com/post/65>

از حمله دشمن و اینکه به‌زودی به وقوع خواهد پیوست، داشته باشد. همان‌گونه که از مباحث در خصوص دفاع مشروع پیش‌دستانه برمی‌آید، در حالت دفاع مشروع پیش‌دستانه، وجود حمله قریب‌الوقوع یا حمله‌ای که یک بار رخ داده و هر لحظه امکان وقوع مجدد آن امکان‌پذیر است،^{۱۹} از شرایط اصلی دفاع مشروع است و عدم اقدام به‌موقع کشور قربانی ممکن است به نابودی منافع آن کشور منجر شود زیرا در این شرایط ممکن است حمله در کوتاه‌ترین زمان ممکن و در شدیدترین حالت ممکن رخ دهد. هرچند که دیوان از تصمیم‌گیری در مورد مسئله دفاع پیش‌دستانه خودداری کرده، دیدگاه خود را روشن ساخته است که دفاع از خود فقط در موردی قابل تصور است که حمله مسلحانه، قریب‌الوقوع باشد. می‌توان اظهارات دادگاه را در پرونده فعالیت‌های مسلحانه، به منزله رد قاطع هرگونه ادعای قانونی دفاع از خود، پیش از وضعیت حمله مسلحانه قریب‌الوقوع دانست که بیان داشته: ماده ۵۱ منشور ممکن است استفاده از زور در دفاع از خود را تنها در محدوده سخت‌گیرانه تعیین‌شده توجیه کند و اجازه استفاده از زور را برای محافظت از منافع امنیتی ذکرشده فراتر از این معیارها را ندهد. با وجود این، ابزارهای دیگری از جمله مراجعه به شورای امنیت جهت (اثبات قریب‌الوقوع بودن حمله) نیز امکان‌پذیر است.^{۲۰} ماده ۵۱ حق استفاده از زور در دفاع از خود را در صورت وقوع حمله مسلحانه تا زمانی که شورا اقدامات لازم را انجام ندهد، حفظ می‌کند. از یک نظر، این حق محدود به شرایطی است که در آن حمله مسلحانه واقعی آغاز شده است اما این دیدگاه که دولت‌ها حق دارند برای دفاع از خود به منظور جلوگیری از تهدید حمله قریب‌الوقوع - که اغلب از آن با عنوان دفاع پیش‌دستانه یاد می‌شود، عمل کنند، به‌طور گسترده پذیرفته شده است و در عمل تصور اینکه یک دولت برای دفاع از خود باید در همه موارد منتظر حمله واقعی باشد، دور از ذهن است.^{۲۱}

از دهه ۱۹۹۰ راه برای درک جدیدی از قوانین مربوط به زور هموار شده است؛ رویکردی «متفاوت» که توازن جدیدی بین نبود زور و حفاظت از ارزش‌های مشترک ایجاد می‌کند. مبارزه با تروریسم به‌عنوان عامل تحول واقعاً انقلابی توصیف می‌شود که طبق نظریه انباشت، «وقایعی که به خودی خود صرفاً «استفاده کمتر از زور» را تشکیل می‌دهند، زمانی که بخشی از زنجیره‌ای از رویدادها را تشکیل دهند، می‌توانند از نظر کیفی به «حمله مسلحانه» تبدیل شوند که باعث ایجاد حق دفاع می‌شود. بر اساس این نظریه، هر عمل تروریستی خاص اگرچه ممکن است

۱۹. موسوی، سیدفضل‌الله و مهدی حاتمی؛ «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۲، ۱۳۸۵.

20. Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (DRC v. Uganda), Merits, Judgment of 19 Dec 2005, ICJ Rep, 2005, para. 148.

21. Wilmschurst, Elizabeth, *Ibid.* p.4.

به‌طور مستقل به‌عنوان حمله مسلحانه تلقی نشود، با در نظر گرفتن مجموع وقایع، می‌تواند به‌عنوان حمله مسلحانه به دولت قربانی اجازه پاسخگویی با نیروی مسلح را بدهد.^{۲۲} اخیراً «نظریه انباشت وقایع» در عمل حمایت بیشتری دریافت کرده است، اما به‌طور رسمی تأیید نشده است. می‌توان انتظار داشت که تمایل جامعه بین‌المللی برای پذیرش حالت «شبه دائمی» دفاع فردی ایجاد شود. همچنین می‌توان امیدوار بود دولت‌هایی که از مفهوم دفاع فردی برای اهداف غیردفاعی سوءاستفاده می‌کنند، در مورد مقاصد واقعی خود آشکارتر عمل کنند. به‌طور خلاصه اگر جامعه بین‌المللی با قرائت وسیع‌تر ماده ۵۱ منشور در دو دهه گذشته موافق باشد، این بازتفسیر با گذشت زمان پذیرفته می‌شود.^{۲۳} مطابق نظریه انباشت وقایع حملات به‌آرامی در طول زمان و به‌صورت مستمر رخ می‌دهد و آستانه آن به قدری شدید نیست که امکان تخریب گسترده در آن واحد را به وجود آورد ولی همانند خوره بر پیکره یک کشور وارد آمده و به‌صورت فرسایشی موجب وارد آمدن صدمات فیزیکی و روانی به آن را فراهم می‌آورد.

ممکن است شرایطی پیش آید که در آن، یک دولت به دلیل کسب اطلاعات قابل اعتماد انسانی یا اطلاعات دیگر، یا سایر شواهد واضح، مانند شناسایی منبعی برای انجام حمله سایبری ناموفق، بتواند منشأ حمله را تعیین کند. در این شرایط، واکنش به این حمله کاملاً پیش‌دستانه نخواهد بود زیرا حمله از قبل شروع شده و می‌تواند ادامه داشته باشد. این تجزیه و تحلیل برای موقعیت‌هایی اعمال می‌شود که در آن یک سری حملات سایبری در مقیاس کوچک از یک منبع، در حالتی کمتر از حد شدت حملات مسلحانه، در بازه زمانی معقول مرتبط رخ می‌دهند. برای مثال، یک سری حملات در مقیاس کوچک برای تعیین آسیب‌پذیری‌ها و قابلیت‌های یک کشور شکل می‌گیرد. این حملات، در مجموع، به اندازه حمله با شدت کافی و به اندازه حمله مسلحانه است که عمل دفاع از خود را برای دفع حملات مستمر و خنثی کردن تهدید حمله توجیه می‌کند. واکنش دفاع از خود به این حملات دیجیتالی در مقیاس کوچک، کاربرد نظریه «انباشت وقایع» را در استفاده از حمله مسلحانه نشان می‌دهد. در این حالت، دفاع، عنصر واکنشی و پیش‌نگرانه است زیرا به حمله مداوم واکنش نشان می‌دهد و می‌تواند با دفع حمله، پیش‌بینی بهتری از وضعیت آینده خود داشته باشد. اگر سلسله حملات در مقیاس کوچک قبلی به‌وضوح نشان دهد که حمله دیجیتالی در مقیاس بزرگ قریب‌الوقوع است، اهمیت عنصر پیش‌بینی افزایش می‌یابد. در آن صورت، پاسخ دفاعی در آخرین فرصت، قبل از اینکه مهاجم مقدمات

22. Yaroslav Shiryayev, "The Right of Armed Self-Defense in International Law and Self-Defense Arguments Used in the Second Lebanon War", *Acta Societatis Martensis* Vol. 14: 139, 2008, p. 95.

23. D. Murphy., "Protean Jus Ad Bellum", *Berkeley Journal of International Law*, Volume 27, Issue 1, 2009, p. 48.

شروع حمله را کامل کند، به‌عنوان دفاع فردی پیش‌دستانه واجد شرایط است. اینکه آیا به‌عنوان عمل قانونی دفاع از خود واجد شرایط می‌شود یا خیر، بستگی به اعتبار، قابلیت اطمینان و کفایت شواهد و نبود راه‌کارهای جایگزین و همچنین تلاش‌های انجام‌شده برای اطمینان از متناسب‌بودن پاسخ مجدد دارد.^{۲۴}

۳. نظریه انباشت وقایع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و دولت‌ها

۳-۱. رویه دیوان

دیوان در رأی خود در پرونده فعالیت‌های مسلحانه، برخی حملات را دارای «ماهیت تجمعی» قلمداد کرد. با وجود این، هیچ شرطی را برای پذیرش اینکه آیا «وقایع انباشته‌شده» از شدت لازم برای واجد شرایط شدن به‌عنوان «حمله مسلحانه» به‌صورت مشخص برخوردار شده است یا خیر، تعیین نکرد.^{۲۵} همچنین اعلام کرد که «حتی اگر بتوان این سلسله حملات اسفناک را به‌صورت تجمعی در نظر گرفت، باز هم قابل انتساب به جمهوری دموکراتیک کنگو باقی نمی‌ماند».^{۲۶} به نظر می‌رسد که تلویحاً پذیرفته است که تعدد حملات نیروهای متحد دموکراتیک می‌تواند بر اساس نظریه انباشت وقایع یک حمله مسلحانه باشد. ممکن است نتیجه گرفته شود که دیوان شدت لازم را برای مفهوم حمله مسلحانه به مفهوم ماده ۵۱ و حقوق بین‌الملل عرفی ایجاد کرده است. هرچند که توصیف انتزاعی دیوان از حملات مسلحانه به‌عنوان «جدی‌ترین اشکال» استفاده از زور ممکن است آستانه‌ای سخت‌گیرانه را نشان دهد، زمانی که امکان استفاده از زور علیه یک ناو جنگی را به حمله مسلحانه تعبیر می‌کند، تصویر جدی‌ترین شکل استفاده از زور را که قبلاً تأکید کرده، عملاً کم‌رنگ نموده است. در پرونده نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری اظهار داشت که ممکن است مجموعه‌ای از اعمال قهری برای مقاصد قانونی به‌عنوان [...] در مجموع به «حمله مسلحانه» تلقی شود که در عمل، وقتی با هم جمع شوند می‌توانند به آستانه شدت مورد نیاز برسند.^{۲۷} این دیدگاه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضاوت‌هایش در پرونده‌های «سکوهای نفتی» و «فعالیت‌های مسلح» تکرار شد.^{۲۸} دیوان بین‌المللی دادگستری به این سؤال پرداخته است که آیا ممکن است تهاجمات به‌تنهایی یا به‌طور جمعی به‌عنوان «حمله مسلحانه» تلقی شوند؟

24. Terry D. Gill and Paul A. L. Ducheine, "Anticipatory Self-Defense in the Cyber Context", *International Law Studies*, Vol. 89, 2013, pp. 438-471. p. 467.

25. ICJ, 2005, *Ibid*, para. 146.

26. *Ibid*.

27. ICJ, 1986, *Ibid*, para. 247.

28. ICJ, 2005, *Ibid*.

در پرونده سکوه‌های نفتی، ایالات متحده آمریکا به نظریه انباشت وقایع استناد کرد. در واقع، ایالات متحده کوشید با طرح نظریه «انباشت وقایع» که بر اساس آن مجموعه‌ای از حملات می‌تواند به حمله «مسلحانه» تبدیل شود، با این استدلال که یک حادثه برای شروع حمله مسلحانه کافی نیست، مقابله کند. از این رو تعدادی از وقایع را به‌عنوان بخشی از یک سری حملات فهرست کرد.^{۲۹} در رأی سکوه‌های نفتی، قویاً اشاره شد که ممکن است مجموعه‌ای از اعمال به‌طور تجمعی سنجیده و سپس به‌عنوان حمله مسلحانه طبقه‌بندی شوند. با وجود این، دیوان بین‌المللی را در مورد ادعای ایالات متحده مبنی بر اینکه که مجموعه‌ای از وقایع به‌عنوان حمله مسلحانه «حتی به‌صورت تجمعی» واجد شرایط نیستند، اعلام کرد.^{۳۰}

در پرونده فعالیت‌های مسلحانه^{۳۱} به‌طور ضمنی به امکان اینکه «تجمع یک سری رویدادها» ممکن است به‌عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته شود، در حکم دادگاه اشاره می‌شود که بیان می‌دارد؛ این دیدگاه که «انباشت وقایع» بر امکان استفاده از حق دفاع مشروع تأثیر می‌گذارد، از حمایت قابل توجهی برخوردار است. در قضیه فوق، اگرچه صریحاً در این مورد اظهارنظر نکرد، به نظر می‌رسد مایل به پذیرش آن بود. همچنین دیوان «به‌طور ضمنی» این نظریه را در پرونده‌های نیکاراگوئه تأیید کرد.^{۳۲} در پرونده سکوه‌های نفتی و همچنین در قضیه فعالیت‌های مسلحانه، دیوان به نوعی نظریه تجمع وقایع را برای تعیین معیار شدت در مورد یک سری حملات تأیید کرد.^{۳۳}

این نظریه توسط طرفین دعوا در قضیه کامرون - نیجریه^{۳۴} بسیار مورد بحث قرار گرفت. در این قضیه دادگاه به مبنای مفهومی آن توجهی نکرد و توجه خود را به عدم انتساب وقایع به یکی از طرفین محدود کرد.^{۳۵}

۲-۳. رویه دولت‌ها

با توجه به رویه، کشورهای اندکی از جمله اسرائیل و ترکیه، صریحاً این نظریه را تأیید کرده‌اند و

29. Chainoglou, Kalliopi, "Reconceptualising Self-Defence in International Law", *King's Law Journal*, vol 18: no1, 2007, p.69. DOI: 10.1080/09615768.2007.11427664

30. Clause, Kreb, *Ibid.* p. 581.

31. Case Concerning Armed Activities On The Territory Of The Congo (Democratic Republic Of The Congo V. Uganda) Judgment Of 19 December 2005.

32. Bothe, Michael, "Terrorism and the Legality of Pre-emptive Force", *The European Journal of International Law*, vol.(2)14, 2003, pp. 227-240.

33. Clause Kreb, *Ibid.* p. 582.

34. Request for Interpretation of the Judgment of 11 June 1998 in the Case concerning the Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria), Preliminary Objections (Nigeria v. Cameroon): <https://www.icj-cij.org/en/case/94>, para 69.

35. Gray, Christine, *op. cit.*, p. 16.

تعداد زیادی از کشورهایی که ادعای دفاع از خود ترکیه و اسرائیل را می‌پذیرند، به‌صورت ضمنی آن را پذیرفته‌اند. علاوه بر اسرائیل، ایالات متحده، روسیه، چین، لبنان، ایران، عراق، لیبیا و سودان در مواردی بر این نظریه تکیه کرده‌اند. به نظر می‌رسد سایر دولت‌ها حداقل در مواردی که گروه‌های تروریستی با حملاتی دائمی که بخشی از یک سیاست خشونت عمدی است، اقدام به تهاجم علیه دولت خارجی می‌کنند و به‌صورت مستمر اقدام به ناامن کردن حریم هوایی دریایی یا زمینی آن کشور می‌کنند، از این نظریه حمایت کنند.

اسرائیل در توجیه حمله به استحکامات ساف^{۳۶} در لبنان، با استناد به یک سری حملات مداوم ساف به اسرائیل، از «نظریه انباشت وقایع» استفاده و بیان کرده که «هر اقدام تروریستی خاص، یا کوچک، اگرچه ممکن است برای اینکه به‌عنوان حمله مسلحانه تلقی شود و به دولت قربانی این حق را بدهد که به‌طور مشروع با نیروی مسلح از خود دفاع کند، واجد شرایط نباشد، مجموع وقایع می‌تواند نشان‌دهنده یک سری اقدامات سیستماتیک از فعالیت‌های تروریستی کوچک باشد که تا سطح «حمله مسلحانه غیرقابل تحمل» افزایش یابد؛ بنابراین، وقتی به این نظریه استناد می‌شود، امکان دفاع از خود در مواجهه با اقداماتی که به خودی خود «حمله مسلحانه» کامل نیستند، به وجود می‌آید.

ایالات متحده مدت‌ها است که طرفدار نظریه موسوم به «انباشت وقایع» است که بر اساس آن مجموعه‌ای از حملات با شدت و مقیاس کمتر ممکن است در مجموع به حمله مسلحانه تبدیل شود، رویدادهایی که به حمله مسلحانه ختم می‌شوند.^{۳۷} تعقیب مبارزان کرد توسط ایران در خاک عراق برای «دفع حمله» یا تهاجم ترکیه علیه مناطق کردنشین شمال سوریه^{۳۸} و نیز تهاجم اسرائیل علیه مناطقی از لبنان و سوریه (چه به اندازه کافی جدی یا قریب‌الوقوع بوده یا نه) نمونه‌هایی از امکان تطبیق وضعیت‌های شکل‌گرفته با این نظریه است. در خصوص امکان استناد به نظریه فوق برای تهاجم و نقض تمامیت سرزمینی دولت دیگر، شرط اینکه عملیات گروه‌های مهاجم، تروریستی قلمداد شود این است که این عملیات مورد حمایت و کنترل مؤثر حکومت مرکزی

۳۶. سازمان آزادی‌بخش فلسطین.

۳۷. Talmon, Stefan A. G. and Heipertz, Miriam, "The U.S. Killing of Iranian General Qasem Soleimani: Of Wrong Trees and Red Herrings, and Why the Killing May Be Lawful after All", *German Practice in International Law* 2020, *Bonn Research Papers on International Law* Paper No. 18/2020, p. 7, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3530273> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3530273>

۳۸. نماینده ترکیه در جلسه ۸۶۴۵ شورای امنیت، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۹ در مورد حمله ترکیه به شمال سوریه در پاسخ به دغدغه‌های اعضای شورا ادعا کرد: هدف از حمله، از بین بردن تهدید طولانی مدت وجودی ترور در مرزهای ترکیه است. ن.ک: Security Council 8645th Meeting (PM) 24 October 2019 available at: <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>

باشد تا مجوز توسل به زور از سوی دولت قربانی را فراهم آورد؛^{۳۹} حال اینکه مبارزات پراکنده برخی گروه‌ها که نه تنها از سوی حکومت مرکزی مورد حمایت قرار نگرفته، بلکه خود قربانی رفتارهای تبعیض‌آمیز حکومت مرکزی نیز هستند و بعضاً جهت تعیین سرنوشت در قلمرو سرزمینی خود نیز مبارزه می‌کنند، نمی‌تواند تهاجم به قلمرو سرزمینی دولتی دیگر را به بهانه مبارزه با این گروه‌ها توجیه کند و نقض قاعده منع توسل به زور محسوب می‌شود.^{۴۰}

۴. نظریه انباشت وقایع و دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه بازیگران

غیردولتی

آیا حمله مسلحانه می‌تواند توسط بازیگر غیردولتی در مقابل یک دولت انجام شود و مطابق نظریه انباشت وقایع می‌توان علیه حملات گروه‌های غیردولتی دفاع مشروع کرد؟ سازمان‌های تروریستی اغلب حملاتشان را با استفاده از حاکمیت دولت میزبان به عنوان سپری برای محافظت از خودشان از نقاط دور علیه دولت‌های قربانی راه‌اندازی می‌کنند، چرا که در واقع حقوق بین‌الملل به دولت‌های قربانی اجازه نمی‌دهد تا علیه دولت‌های میزبان در مواردی که آن دولت‌ها تقصیری

۳۹. قاعده کلی این است که هر چه پیوند بین یک دولت و بازیگر غیردولتی کمتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که مدرکی برای انتساب وجود داشته باشد. قواعد ثانویه که در پیش‌نویس «مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال نادرست بین‌المللی» تدوین شده است، در زمینه انتساب، الگوهایی را ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از:
۱- وابستگی کامل: یعنی گروه دارای «وابستگی کامل» است. این به افراد یا گروه‌هایی اشاره دارد که می‌توان آن‌ها را به قدری نزدیک به دولت طبقه‌بندی کرد که در وابستگی کامل به دولت عمل می‌کنند و شامل کسانی می‌شود که بر اساس قوانین داخلی دارای وضعیت «ارگان دولتی» هستند. این از ماده ۴ مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال نادرست بین‌المللی (آریوا) ناشی می‌شود: «یک ارگان دولتی شامل «هر شخص یا نهادی است که طبق قوانین داخلی دولت دارای چنین وضعیتی است» (Article 4(2) ARIWA).

۲- کنترل مؤثر: دومین معیار «انتساب»، «کنترل مؤثر» است. این از ماده ۸ ARIWA ناشی می‌شود. «رفتار یک شخص یا گروهی از افراد، در صورتی که شخص یا افراد در اجرای این رفتار در واقع بر اساس دستورالعمل، یا تحت هدایت یا کنترل آن کشور عمل کنند، طبق قوانین بین‌الملل، اقدام یک کشور تلقی خواهد شد.

۳- تأیید و تصدیق: حتی اگر رفتار غیرقانونی به دلیل اینکه خارج از یکی از دو دسته فوق قرار می‌گیرد، قابل انتساب به یک دولت نباشد، ماده ۱۱ آریوا مقرر می‌دارد: «رفتاری که به موجب مواد قبل قابل انتساب به یک کشور نیست، با این حال، طبق قوانین بین‌الملل، اگر و تا حدی که دولت مربوطه رفتار مورد بحث را به عنوان رفتار خود بپذیرد، عمل آن کشور محسوب می‌شود».

۴- دخالت قابل توجه: این موضوع به میزان دخالت یک دولت در یک رفتار غیرقانونی می‌پردازد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II (Part Two). Text reproduced as it appears in the annex to General Assembly resolution 56/83 of 12 December 2001, and corrected by document A/56/49(Vol. I)/Corr.4.

۴۰. احمدی فرد، مرتضی و مهدی حاتمی؛ «مشروعیت توسل به زور ترکیه در حمله به شمال سوریه از منظر حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۳، شماره ۷۴، ۱۴۰۱، ۳۰۳-۳۳۵.

ندارند، به زور متوسل شوند. با این حال، دولت‌های قربانی احساس می‌کنند که حق دارند در برابر چنین حملاتی که این بازیگران غیردولتی یا تروریست‌ها ترتیب می‌دهند، طبق حق ذاتی خود بر دفاع مشروع که در ماده ۵۱ منشور تضمین شده است، متوسل به زور شوند.^{۴۱} برای حل این مسئله، محققان برای توسل به زور علیه بازیگران غیردولتی مستقر در دولت‌های میزبان، توجهات را به چارچوب حقوقی و نظری دیوان بین‌المللی دادگستری جلب می‌کنند که علاوه بر تأکید بر این واقعیت که حمله مسلحانه فقط می‌تواند توسط یک دولت علیه دولت دیگر انجام شود، امکان حمله غیرمستقیم را نیز می‌پذیرد. ضروری است میان دفاع مشروع علیه یک دولت و دفاع مشروع علیه کنش‌گران غیردولتی و در محدوده سرزمینی یک دولت، تفکیک شود. چنانچه حمله مسلحانه کنش‌گران قابل انتساب به دولت میزبان باشد، نمی‌توان در اقدام به دفاع علیه دولت میزبان، تردید کرد و اگر این حمله منتسب به دولت میزبان نباشد (صرف‌نظر از مسئولیت غیرمستقیم دولت یا عدم مسئولیت آن) تنها می‌توان به دفاع مشروع علیه کنش‌گران اما در خاک دولت میزبان قائل شد. در این مورد توسل به زور نباید به‌صورت مستقیم علیه دولت میزبان و ساختارهای حقوقی و سیاسی آن انجام شود و حمله باید محدود به پایگاه‌های کنشگران غیردولتی باشد.^{۴۲} در پرونده‌های نیکاراگوئه و فعالیت‌های مسلحانه، نظر دیوان بر این بود که اعمال بازیگران غیردولتی که «از طرف یک دولت اعزام شده‌اند، در صورت داشتن سایر معیارها، می‌تواند حملات مسلحانه تلقی شود.»^{۴۳} اگر بازیگران غیردولتی توسط دولت اعزام نشده باشند، برای اینکه حملات آن‌ها به حمله مسلحانه تبدیل شود، دولت باید حداقل «دخالت اساسی در آن» داشته باشد.^{۴۴} این معیار از نظر دیوان برای نسبت دادن حمله به دولت ضروری است.^{۴۵} در قضیه نیکاراگوئه، «دیوان بین‌المللی دادگستری بیان نکرد که تحت چه شرایطی باید مداخله به اندازه‌ای قابل توجه باشد که به حمله مسلحانه تبدیل شود»، اما «به‌طور ضمنی صرفاً تحمل حضور گروه مسلح در قلمرو یک دولت را به‌عنوان مداخله رد کرد» و صراحتاً بیان کرد جهت

۴۱. نوروزی، علیرضا، ایرج رضایی‌نژاد و کارن روحانی؛ «حقوق بین‌الملل و اعمال معیار دولت بی‌میل یا ناتوان در جنگ سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۴۰۱، ۱-۳۳.

۴۲. عزیزی، ستار و خاطره نظری؛ «حدود دفاع مشروع دولت قربانی علیه کنشگران غیردولتی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.

43. ICJ, 2005, *Ibid*, para.146.

۴۴. توصیف استفاده از نیروی غیردولتی به‌عنوان عمل تجاوزکارانه از سوی یک دولت از ماده ۳ بند (ز) تعریف تجاوز نشأت می‌گیرد که بیان می‌دارد: «ارسال گروه‌های مسلح، گروه‌های نامنظم یا مزدوران توسط یا از طرف یک دولت که اعمال نیروی مسلحانه را علیه کشور دیگری انجام می‌دهند که از مصادیق اعمال فهرست‌شده باشد. این موضوع در پرونده نیکاراگوئه تأیید شده است. (ICJ, 1986, *Ibid*, para.195).

45. ICJ, 1986, *Ibid*, para.195.

انتساب مداخله، نیاز به حمایتی بیش از «کمک به شورشیان در قالب ارائه سلاح یا پشتیبانی تدارکاتی یا سایر حمایت‌ها» است.^{۴۶} این امر در پرونده سفارت تهران نیز تأیید شد؛ زمانی که هرچند اقدامات دانشجویان به ایران نسبت داده نشده بود، دادگاه دریافت که تأیید رسمی اقدامات مأموران توسط ایران به معنای انتساب است: «تأیید رفتار این افراد از سوی رهبر و دیگر ارگان‌های دولت ایران و تصمیم به تداوم آن مبنی بر ادامه اشغال سفارت و بازداشت گروگان‌ها را به اقدامات آن دولت تبدیل کرده است. رفتار دانشجویان که اکنون به مأموران دولت ایران تبدیل شده بودند، به منزله رفتار خود دولت در سطح بین‌المللی است».^{۴۷} بنابراین، حمله‌ای که از قلمرو یک دولت انجام شود اما دولت در آن دخالت نداشته باشد یا دولت به‌سادگی قادر به توقف آن نباشد، حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. نتیجه اصلی که می‌توان از اظهارات دیوان به دست آورد این است که دفاع از خود فقط در برابر یک دولت قابل اعمال است و بنابراین برای اینکه یک گروه غیردولتی منشأ حمله مسلحانه باشد، اقدامات آن یا باید از طرف دولت انجام شود، یا به دولت نسبت داده شود.^{۴۸} حمله مسلحانه نمی‌تواند توسط گروه غیردولتی فی‌نفسه، بدون هیچ‌گونه دخالت یک دولت انجام شود.^{۴۹} در نتیجه، هرچند دولت‌ها برای اعمال زور، به‌طور ضمنی اجازه دارند در قلمرو و حوزه حکومتی خود علیه شورشیان اعمال زور نموده یا در برابر جنبش‌های آزادی‌بخش برای کسب استقلال در سرزمین‌شان از خود واکنش نشان داده و از نیروی نظامی استفاده کنند،^{۵۰} حمله به گروه‌های شورشی و تروریستی که مستلزم هجوم به خاک کشور دیگر است، منافی اصل عدم توسل به زور بدون رضایت آن کشور است مگر اینکه اثبات شود دولت مربوطه بر آن عملیات، کنترل مؤثری داشته است. در قضیه دیوار حائل، دیوان اعلام داشت که ماده ۵۱ حق ذاتی دفاع از خود را در مورد حمله مسلحانه هر دولت نسبت به دولت دیگر به رسمیت شناخت اما اسرائیل در خصوص وقوع حمله علیه خود که قابل انتساب به دولت خارجی باشد، هیچ ادعایی ندارد؛ به‌علاوه اسرائیل نسبت به سرزمین اشغالی فلسطین کنترل مؤثر داشته و

46. Randelzhofer, Albrecht, 'Article 51' in Bruno Simma et al (eds), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, 2nd ed, Oxford: Oxford University Press, 2002, p. 788, & p. 802 (para. 34) & p. 802.

47. Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, (*United States of America v. Iran*), Judgment, ICJ GL, No. 64, 24 May 1980, para. 74.

48. در پرونده کنگو علیه اوگاندا نیز دادگاه حکم داد؛ اقدامات اوگاندا در جمهوری دموکراتیک کنگو تنها در صورتی واجد شرایط دفاع از خود است که «دلیل قانع‌کننده‌ای دال بر دخالت کنگو وجود داشته باشد» در این حملات چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در مورد اینکه چه چیزی استفاده غیرمستقیم از زور است، عمدتاً دو مفهوم «ارسال توسط یا از طرف یک دولت» یا «مشارکت قابل توجه دولت در کنترل مؤثر گروه‌های مسلح» را دربرمی‌گیرد. (ICJ, Rep 2005, *Ibid*, para. 168).

49. See Jordan Paust, "Armed Attacks and Imputation: Would a Nuclear Weaponized Iran Trigger Permissible Israeli and US Measures of Self-Defense?", *Georgetown Journal of International Law*, 2014, p. 425.

50. کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل، ترجمه: حسین شریفی طراز‌کوهی، میزان، ۱۳۹۶، ۱۹۳.

ساخت دیوار را به دلیل وجود تهدیدی موجه می‌داند که از داخل آن مناطق سرچشمه می‌گیرد و نه خارج از آن. این وضعیت با آنچه شورای امنیت در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ مدنظر داشته متفاوت است^{۵۱} و بنابراین اسرائیل نمی‌تواند در هیچ معنی به این قطعنامه‌ها برای حمایت از ادعای خود در استفاده از حق ذاتی دفاع از خود استناد کند. دیوان به این نتیجه رسید که ماده ۵۱ منشور به این قضیه ارتباطی ندارد.^{۵۲}

اگرچه نظریه انباشت وقایع در اصل می‌تواند به توجیه حق دفاع از خود در برابر تهدید حملات مسلحانه احتمالی توسط بازیگران غیردولتی کمک کند، این خطر وجود دارد که به کشورها مجوزهای گسترده‌ای برای استفاده از زور بدهد.^{۵۳} ماهیت حمله باید نظامی و مبتنی بر استفاده از ارتش منظم و مسلح باشد و اگر حمله نسبت به شخص غیردولتی صورت می‌گیرد، باید انتساب آن گروه یا دسته به یک دولت که کنترل مؤثری بر روی آن دارد اثبات شود.

اشکال دخالت دولت در استفاده از زور توسط اشخاص نیابتی، یک موضوع خاکستری و مبهم است که فراتر از مسلح کردن یا آموزش شورشیان است که در یک کشور دیگر می‌جنگند. شدت حملات آن‌ها برای توجیه انتساب استفاده از زور به دولت درگیر، به صورت دقیق کافی نیست. همان‌طور که دیوان در قضیه «نسل‌کشی» روشن کرده است، این الزامات مربوط به وابستگی کامل گروهی از بازیگران غیردولتی خشن است که از حمایت دولت مربوطه برخوردارند یا کنترل مؤثر کشور اخیر بر اعمال خاص قهری که از داخل بر چنین گروهی انجام می‌شود^{۵۴} به نظر می‌رسد «پناه‌دادن» یا میزبانی یک دولت نسبت به یک بازیگر غیردولتی فراملی در قلمرو خود، در آن منطقه خاکستری قرار دارد.

۵۱. قطعنامه ۱۳۷۳ سال ۲۰۰۱ شورای امنیت در رابطه با تروریسم با تصریح بر محکومیت حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر بر اراده و عزم راسخ شورای امنیت برای جلوگیری از چنین اقدام‌هایی و با تأکید مجدد بر اینکه چنین اقدام‌هایی، مانند هر اقدام دیگر تروریستی بین‌المللی تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی آن‌ها به شمار می‌رود، مجدداً با تصریح بر حقوق ذاتی دولت‌ها با حقوق جمعی در دفاع از خود همان‌طور که در منشور سازمان ملل متحد و در قطعنامه ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) شناخته شده، بار دیگر تکرار می‌شود.

۵۲. میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات میدانی؛ *دادرسی‌های بین‌المللی - دیوان بین‌المللی دادگستری، مسائل روز*، چکیده آراء و اسناد، جنگل، ۱۳۹۴، ۱۹۵.

53. J. Francisco Lobo, One Piece at a Time: The 'Accumulation of Events' Doctrine and the 'Bloody Nose' Debate on North Korea available at <https://www.lawfareblog.com/one-piece-time-accumulation-events-doctrine-and-bloody-nose-debate-north-korea>, Friday, March 16, 2018, 7:00 AM

54. Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro*), Judgment of 26 Feb 2007, ICJ Rep 2007, para. 391.

۵. مزایا و کاستی‌های نظریه انباشت وقایع

نظریه انباشت وقایع می‌تواند از بروز یک جنگ ترکیبی در برابر یک دولت جلوگیری کند که در آن دولت مهاجم از اقدامات نظامی و غیرنظامی در یک دوره نسبتاً طولانی مدت استفاده می‌کند تا مرزهای بین درگیری مسلحانه و صلح را از بین ببرد. اگر چنین اقداماتی را دولت مهاجم انجام دهد، دولت مدافع، تحت نظریه انباشت وقایع، برای استفاده از حق دفاع مشروع خود منتظر درگیری مسلحانه کامل نخواهد بود. این نظریه اگر به محض شروع وقایع شرق کشور و شبه‌جزیره کریمه توسط تصمیم‌گیران اوکراینی اتخاذ می‌شد، پاسخ سریع‌تری از کی‌یف به همراه می‌داشت. در واقع، طبق این نظریه، ترکیب عملیات روسیه از حملات سایبری، ارسال سلاح‌های نامنظم، پشتیبانی توپخانه‌ای پراکنده توسط نیروهای مسلح روسیه، ارسال کاروان‌های به اصطلاح کمک‌های بشردوستانه و تهدید با استفاده از منابع اقتصادی شناسایی می‌شد و در مجموع به‌عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته می‌شود که حق دفاع از خود را برای دولت ایجاد می‌کند. در عوض، دولت اوکراین با استفاده از نیروهای پلیس و سپاه ضدشورش خود شروع به کار کرد. استفاده از ارتش و در نتیجه استفاده کامل از پتانسیل مسلح دولت، به دلیل مشکل در انتساب اقدام به تعویق افتاد.^{۵۵} دیوان به احتمال در نظر گرفتن یک سری حملات «ترکیبی» برای تعیین اینکه آیا حمله مسلحانه انجام شده است یا خیر اشاره می‌کند. از طرف دیگر، نظریه انباشت وقایع در شرایط خاصی که یک کشور با تهدید سیاسی از خارج روبه‌رو باشد، مناسب است زیرا در برابر بازیگر غیردولتی، دولت می‌تواند نظریه فوق را اتخاذ کند تا بتواند چنین بازیگری را بازدارد و حتی به‌صورت فراسرزمینی در برابر اقدامات بازیگر غیردولتی واکنش نشان دهد. نهایتاً اینکه دولت‌ها حق دارند در برابر حمله مسلحانه قریب‌الوقوع یا واقعی توسط بازیگران غیردولتی از خود دفاع کنند.

به‌رسمیت‌شناختن این نظریه در حقوق بین‌الملل مناسب است زیرا برخلاف سایر نظریه‌های طراحی‌شده برای منطقی‌کردن قواعد منشور در مورد دفاع مشروع، اثربخشی را به خطر نمی‌اندازد.^{۵۶} علاوه بر این، به‌رسمیت‌شناختن نظریه فوق در حقوق بین‌الملل ممکن است زیرا در حال حاضر نشانه‌هایی وجود دارد که در رویه‌های دولتی و قضایی از حمایت برخوردار است. به نظر می‌رسد که دولت‌ها تمایل جدیدی برای پذیرش این نظریه که قبلاً حمایت کمی از آن شده بود، پیدا کرده‌اند. این اظهارات نشان‌دهنده گرایش به سوی به‌رسمیت‌شناختن «نظریه انباشت وقایع» است، اما ممکن است مستلزم گذشت زمان بیشتر باشد. بدیهی است که این آموزه برای

55. Nader, P, "The Baltic states should adopt the self-defence pinpricks doctrine: the "accumulation of events" threshold as a deterrent to Russian hybrid warfare". *Journal on Baltic Security*, 3(1), 2017, p. 16.

56. Nader, P, *Ibid.* p.18

کسانی که مدت‌هاست از فاصله بین مواد (۲(۴) و ۵۱ منشور انتقاد می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد و دلالت بر این دارد که دولت‌ها مجبور به استفاده از زور در سطح پایین هستند. با پذیرش امکان انباشت حوادث یا با به رسمیت شناختن این نظریه، حق استفاده از زور متقابل در سطح پایین‌تر برای دولت‌ها ایجاد می‌شود. هر دو رویکرد نشان‌دهنده افزایش مخالفت با ساختار محدود دفاع فردی در نیکاراگوئه و شکاف ناشی از آن است. از نظر سیاسی، دفاع از این شکاف واقعاً دشوار به نظر می‌رسد و تلاش برای از بین بردن آن باید با دید مثبت مورد توجه قرار گیرد. از نظر حقوقی، استدلال به نفع «اقدامات دفاعی متناسب» با ممنوعیت همه‌جانبه زور دشوار، و مستلزم کنار گذاشتن «تز انحصاری» است. در مقابل، تفسیر مجدد الزام آستانه شدت با توجه به نظریه انباشت وقایع، ممکن است رویکرد امکان‌پذیرتری را ارائه دهد.

اما نظریه انباشت وقایع، کاستی‌هایی نیز دارد و پیچیدگی جدیدی را به یک بحث از قبل پیچیده می‌افزاید. هرگز نباید هیچ جامعه‌ای، تصمیم به استفاده از زور یا شرکت در درگیری مسلحانه را ساده بیانگارد. جامعه بین‌المللی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ اما هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مداخلات غیرمسئولانه را نیز تحمل کند. کاربرد نظریه انباشت وقایع فقط برای تعیین این است که آیا حمله مسلحانه به صورت تجمعی قبلاً صورت گرفته است یا نه؛ که هرگونه بحث در مورد دفاع فردی پیش‌دستانه را بی‌ربط می‌کند. در واقع، هنگامی که یک سری از حملات مجزا به‌طور کلی به‌عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته شود، در مورد اینکه آیا باید قبل از حمله پیش‌دستانه منتظر وقوع حمله مسلحانه بود یا نه، بحثی نیست زیرا می‌توان با اطمینان گفت که حمله قبلاً انجام شده است، در حالی که دکتترین حمله پیش‌دستانه بر این فرض استوار است که حمله مسلحانه هنوز صورت نگرفته است اما احتمال آن وجود دارد.^{۵۷}

از طرف دیگر باید در مورد خطر سوءاستفاده ذاتی این نظریه انباشت وقایع محتاط بود. لازم به یادآوری است که از هر نهادی، از جمله حق سنتی دفاع از خود، می‌توان سوءاستفاده کرد. آنجا که فرض بر وجود حمله مسلحانه کامل است، نظریه انباشت وقایع نیز در طیف حق دفاع از خود قرار می‌گیرد. بنابراین اگر می‌توان از آن سوءاستفاده کرد، تنها به این دلیل است که حق دفاع از خود سنتی می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد. در این میان، روح صلح‌طلبی مسئولانه مندرج در منشور سازمان ملل می‌طلبد که به‌دقت مراقب (مجموعه صلح بین‌المللی) بود.

57. Abhimanyu, George Jain, Rationalising International Law Rules on Self-Defence: The Pin-Prick Doctrine, Advocate, Delhi High Court; LL.M, Georgetown University Law Centre; B.A., LL.B. (Hons.), National Law School of India University, Vol. XII, 2013, p. 63.

نتیجه

در حالی که دیوان همیشه ترجیح داده قضاوت کند که آیا حملات خاص به منزله حمله مسلحانه است یا خیر، در قضیه سکوها‌های نفتی از زبانی استفاده کرد که نشان داد ماهیت تجمع‌ی یک سری اقدامات قهری احتمالاً می‌تواند آن‌ها را به «حمله مسلحانه» تبدیل کند. «نظریه انباشت وقایع»، هرچند که فاصله بین مواد (۴) ۲ و ۵۱ منشور را کم می‌کند، پیامدهایی نیز به دنبال دارد: این نظریه عنصر زمان را به معنای دیگری درآورده و وجود استمرار در حملات را برجسته نموده و از طرفی، حملات با آستانه شدت کمتر را نیز در بر می‌گیرد و امکان توسل به زور را گسترش می‌دهد. به همین دلیل، حق وسیع‌تری برای استفاده از زور متقابل در سطح پایین‌تر را در برابر خشونت‌های مرزی می‌پذیرد. برخی از محققان بیان می‌کنند که شناسایی دفاع مشروع در برابر «مفهوم درگیری‌های مستمر»، امر خطرناکی است که موجب سوءاستفاده دولت‌ها خواهد شد. در واقع، یکی از چالش‌های نظریه تجمع رویدادها، پاسخ نامشخص در مورد این موضوع است که چگونه می‌توان توازن ایجاد کرد که در عین حال که حملات کوچک بتوانند حق دفاع مشروع را ایجاد کنند، بتوان از گشودن روزنه‌ای جدید برای سوءاستفاده‌های جدی دولت‌ها جلوگیری کرد. رویکرد دیوان در پرونده‌های کامرون - نیجریه، اوگاندا - کنگو و سکوها‌های نفتی نشان‌دهنده افزایش مخالفت با ساختار محدود دفاع فردی و شکاف ناشی از آن است. موضوع دفاع پیش‌دستانه به‌طور فزاینده‌ای تحت‌الشعاع بحث‌های مربوط به این دکترین قرار می‌گیرد و بر بُعد زمانی دفاع فردی تأثیر می‌گذارد. اگر حملات انباشته شوند، می‌توانند نیاز به واکنش فوری را ایجاد کنند، حتی اگر برای دفع حادثه‌ای باشد که منشأ آن خیلی زود یا دیر به وجود آمده باشد. کشوری که با حملات مداوم یک «جنبش تروریستی» مواجه است، ممکن است با تکیه بر این نظریه، دفاع از خود را برای استفاده از زور توجیه کند. بنابراین «نظریه انباشت وقایع» به‌طور مؤثر الزامات بی‌واسطه‌ای را ایجاد می‌کند که حق موقتی دفاع فردی را توجیه می‌کند. نظریه انباشت وقایع در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته است اما حملات تروریستی بین‌المللی فزاینده، کشورها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است که باعث تردید آن‌ها در رد چنین نظریه‌ای شده است. منع توسل به زور عموماً در خصوص دولت‌ها مورد نظر است اما مطمئناً اگر تجمع وقایع به‌عنوان مبنایی برای استناد به حق دفاع از خود در برابر نهادهای غیردولتی ممنوع شود، پیامد اجتناب‌ناپذیر آن، «تشویق برای تروریسم درجه پایین» یا تجاوز غیرمستقیم بی‌وقفه است که بیشتر، غیرنظامیان و افراد آسیب‌پذیر از آن متأثر می‌شوند. رد کامل نظریه انباشت وقایع، خطراتی را به دنبال دارد. از طرفی قابل‌توجه است که دیوان در مواردی این رویکرد را تأیید کرده است و تعدادی از نظرات و رویه دولتی وجود دارد که از آن حمایت می‌کند.

با وجود این، برخی از قضات دیوان از جمله برونو سیمّا این رویکرد (تجمع وقایع) را در پروندهٔ سکوه‌ای نفتی رد کردند، جایی که اعلام شد در حقوق بین‌الملل در خصوص استفاده از زور، هیچ نشانه‌ای از پذیرش اینکه فعالیت‌های تکراری (تعدد وقایع) که کمتر از حد «حملهٔ مسلحانه» بیان شده در ماده ۵۱ منشور باشد، وجود ندارد.^{۵۸} اما این نظریه، منطقی‌سازی قواعد مورد نیاز *jus ad bellum* را ارائه می‌کند زیرا بدون اینکه دولت‌ها را آزاد بگذارد تا به میل خود از زور استفاده کنند، استفادهٔ دفاعی از زور را در پاسخ به الگوی مستمر حملات اجازه می‌دهد تا وجود عینی یک تهدید در آینده را نمایش دهد. به رسمیت‌شناختن این نظریه در حقوق بین‌الملل به‌عنوان بخشی از تمرین گسترده‌تر برای منطقی‌کردن قواعد حقوق بین‌الملل در مورد دفاع از خود است. به دلیل سختی دسترسی به سیستم امنیت جمعی پیش‌بینی‌شده در منشور ملل متحد، این نظریه در مواجهه با تهدیدات واقعی و شدید امنیت کشورها که محدودیت‌های بی‌رویه‌ای دارند، منجر به ایجاد قواعد عادلانه‌ای می‌شود.

58. ICJ Reports (2003) 324, para 14.

الف. فارسی

۱. میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات‌میدانی؛ «*دادرسی‌های بین‌المللی - دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*»، جنگل، ۱۳۹۴.
۲. کاسسه، آنتونیو؛ «*حقوق بین‌الملل*»، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، میزان، ۱۳۹۶.

۱. احمدی فرد، مرتضی و مهدی حاتمی؛ «مشروعیت توسل به زور ترکیه در حمله به شمال سوریه از منظر حقوق بین الملل»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۳، شماره ۷۴، خرداد ۱۴۰۱.
۲. نوروزی، علیرضا، ایرج رضایی نژاد و کارن روحانی؛ «حقوق بین الملل و اعمال معیار دولت بی میل یا ناتوان در جنگ سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۴۰۱، [doi:10.22059/jpls.2021.312495.2607](https://doi.org/10.22059/jpls.2021.312495.2607)
۳. موسوی، سیدفضل الله و مهدی حاتمی؛ «دفاع مشروع پیش دستانه در حقوق بین الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۷۲، ۱۳۸۵.
۴. عزیزی، ستار و خاطره نظری؛ «حدود دفاع مشروع دولت قربانی علیه کنشگران غیردولتی»، فصلنامه سیاست جهان، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.

ب. انگلیسی

- Books

1. Brownlie, Ian, *International Law and the Use of Force between States*, Oxford University Press, Oxford, 2000.
2. Clause, Kreb, *The International Court of Justice and the Principle of Non-Use of Force*, The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law, 2016.
3. Corten, O., *The Law Against War: The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law*, Bloomsbury Publishing, 2010.
4. Gray, Christine, *International Law and the Use of Force*, 4th Ed., OUP, 2018.
5. Randelzhofer, Albrecht, “Article 51” in Bruno Simma et al (eds), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, 2nd Ed., Oxford: Oxford University Press, 2002.

- Articles

1. Bothe, Michael, "Terrorism and the Legality of Pre-emptive Force", *The European Journal of International Law*, Vol. (2)14, 2003.
2. Chainoglou, Kalliopi, "Reconceptualising Self-Defence in International Law", *King's Law Journal*, Vol. 18, No. 1, 2007.
3. D. Murphy, "Protean Jus Ad Bellum", *Instituts für Internationales Recht an der Universität Kiel*, No. 405, 2008.
4. Elizabeth Wilmschurst, "principles of international law on the use of force by states in self-defence", *international law ilp wp*, 2005.
5. Gray, Christine, "The International Court of Justice and the Use of Force", in Christian J. Tams, and James Sloan (eds), *The Development of International Law by the International Court of Justice* (Oxford, 2013; online edn, Oxford Academic, 2014. <https://ssrn.com/abstract=2311217> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2311217>
6. Jordan Paust, "Armed Attacks and Imputation: Would a Nuclear Weaponized Iran Trigger Permissible Israeli and US Measures of Self-Defense?", *Georgetown Journal of International Law*, 2014.
7. Menachem Feder, Norman, "Reading the U.N. Charter Connotatively: Toward a New Definition of Armed Attack", *19 N.Y.U. J. Int'l L. & Pol.*, 1978.
8. Nader, P, "The Baltic states should adopt the self-defence pinpricks doctrine: the "accumulation of events" threshold as a deterrent to Russian hybrid warfare. *Journal on Baltic Security*, 3(1), 2017.
9. Talmon, Stefan A. G. and Heipertz, Miriam, "The U.S. Killing of Iranian General Qasem Soleimani: Of Wrong Trees and Red Herrings, and Why the Killing May Be Lawful after All", Stefan Talmon (ed.), *German Practice in International Law 2020, Bonn Research Papers on International Law Paper No. 18/2020*, pp. 1-16 Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3530273> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3530273>
10. Terry D. Gill and Paul A. L., "Ducheine, Anticipatory Self-Defense in the Cyber Context", *International Law Studies*, Vol. 89, 2013.
10. Yaroslav, Shiryaev, "The Right of Armed Self-Defense in International Law and Self-Defense Arguments Used in the Second Lebanon War", *Acta Societatis Martensis*, Vol. 14, 2008.

- Thesis

1. Abhimanyu, George Jain, *Rationalising International Law Rules on Self-Defence: The Pin-Prick Doctrine*, Advocate, Delhi High Court", LL.M, Georgetown University Law Centre; B.A., LL.B. (Hons.), National Law School of India University, Vol. XII, 2013.
2. O'Meara, Christopher, *the Right of Self-Defence in International Law*, Faculty of Laws, University College London, Submitted for the degree of PhD, 2018.

- Documents

1. Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro*), Judgment of 26 Feb 2007, ICJ Rep 2007.
2. Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (*DRC v. Uganda*), Merits, Judgment of 19 Dec 2005, ICJ Rep, 2005. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (*Nicaragua v. United States of America*); Merits, "International Court of Justice (ICJ)", 27 June 1986, available at: <https://www.refworld.org/cases, ICJ, 4023a44d2.html>.
3. Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, (*United States of America v. Iran*), Judgment, ICJ GL, No. 64, 24 May 1980.
4. General Assembly Resolution 3314 (XXIX) (14 Dec 1974).
5. Request for Interpretation of the Judgment of 11 June 1998 in the Case concerning the Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (*Cameroon v. Nigeria*), Preliminary Objections (*Nigeria v. Cameroon*): <https://www.icj-cij.org/en/case/94>
6. Security Council 8645th Meeting (PM) 24 October 2019.
7. ICJ Reports (2003) 324, para 14.

- Websites

1. J. Francisco Lobo, "One Piece at a Time: The 'Accumulation of Events' Doctrine and the 'Bloody Nose'", *Debate on North Korea*, 2018. available at: <https://www.lawfareblog.com/one-piece-time-accumulation-events-doctrine-and-bloody-nose-debate-north-korea>, Friday, 16 March 2018.